



۵۶۳

۱۸ مرداد ۱۳۹۱

۸ آگوست ۲۰۱۲

جوانان کمونیست

سردبیر: کیان آذر

همکار سردبیر: نازیلا صادقی

Javanan.tamas@gmail.com

0046739248527

www.cyoiran.com

سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران

آینده از آن ماست!

چهارشنبه ها منتشر می شود

یک جنگ تمام عیار

صفحه ۵

اکرم خیرخواه

صدای مدرنیسم، حق خواهی و برابری طلبی جوانان و زنان ایران

مصاحبه با تعدادی از فعالین کارناوال
سازمان جوانان کمونیست در
فستیوال پراید در استکهلم

صفحه ۳

آغوش ممنوع!!

صفحه ۵

ربعانه گلی

جمهوری اسلامی در باتلاق سوریه

صفحه ۴

محسن عادلفر

تقدیم به پسرچه دعا فروش

همه جمعیت، که اصلا معلوم نیست
دنبال چی میگردن- اصلا چرا
اینقدر میان و میرن؟- توی اون
همه همه و سروسدا- صدای ناله
بچه گم میشه- قط میشه- اما

ادامه صفحه ۶

محبوبه حکمت از ایران

غروب- ازاون غروبای تاریک و
دلگیر- با خواهر چادر به سرم تو
خیابون قدم میزنیم- بی حوصله و
کلافه- صدای گریه وناله یه بچه
میاد- تو اون خیابون شلوغ- با اون

پراد امسال در استکهلم سوئد

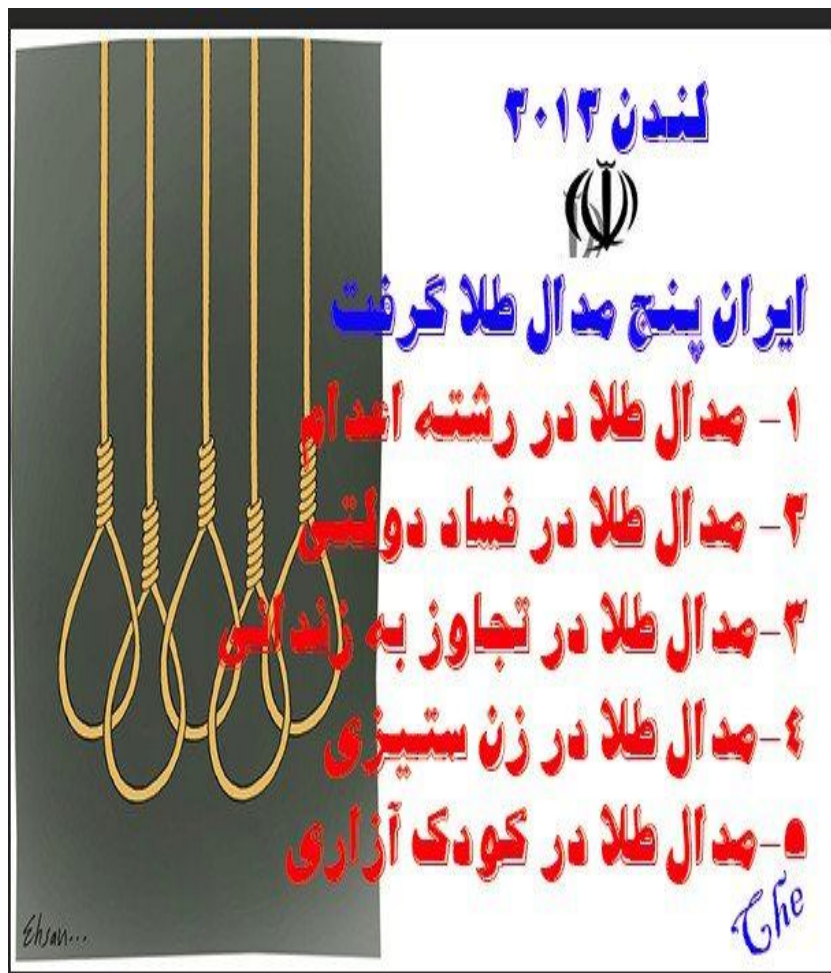
در همین راستا تنها سازمانهای
سیاسی شرکت کننده از ایران در
این فستیوال و کارناوال روز آخر
"سازمان جوانان
کمونیست" (سازمان جوانان حزب

ادامه صفحه ۲

که با هدف دفاع از همجنسگرایان
برگزار می شود در سالهای اخیر پا
فراتر گذاشته و به حرکتی سمبلیک
در دفاع از تمام آزادی های انسانی
برای انتخاب سبک زندگی بدون
دخالته هر نیروی مذهبی، نژاد
پرست و متعصب تبدیل شده است.

شیرین شمس

فستیوال و کارناوال پراید استکهلم
که نه تنها بزرگترین فستیوال
سالیانه سوئد بلکه بزرگترین
فستیوال شمال اروپا محسوب
میگردد امسال طبق روال هر سال
در اروپا برگزار شد. این فستیوال



نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی

پراد امسال در استکهلم سوئد



مردن و آزاد قرن بیست و یکم زندگی کنند. در واقع یکی از دستاوردهای مهم ما از شرکت امسال و هر ساله در این کارناوال این بوده که توانستیم پای خود را به عنوان یک سازمان مدافع حقوق همجنسگرایان و همه حقوق انسانی به عرصه اجتماعی بیشتر از قبل باز کنیم و در بازدیدکنندگان، به عنوان تنها سازمان شرکت کننده در این کارناوال انتظاری قوی ایجاد کرده باشیم. به طور کلی برنامه کارناوال ما موفقیت آمیز و پررنگ برگزار شد و در مدیای سوئدی و فارسی زبان در سوئد بازتاب پیدا کرد. جا دارد اشاره کنم که از شخصیت های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و هنری سوئد نیز باتریس آسک وزیر دادگستری سوئد از حزب مودرات، یوناس شوستت رهبر حزب چپ سوئد، آنی لور رهبر حزب سنتر، گوستاو فریدولین رهبر حزب محیط زیست سوئد، نمایندگان حزب سوسیال دموکرات، نمایندگان حزب لیبرال مردم، نمایندگان از پارلمان و سازمان عفو بین الملل (امنستی) به همراه دیگر شخصیت ها برای دفاع از حق حقوق همجنسگرایان و دفاع از حق انتخاب سبک زندگی شرکت داشتند. واقعیت این است که برپائی این فستیوال و حمایت پرشور از آن توسط همجنسگرایان، مردم و احزاب و گروه های سیاسی، فرهنگی و هنری نشان می دهد که انسانها در قرن بیست و یکم به حق آزادی انسان در نحوه فکر کردن و سبک زندگی اعتقاد پیدا کرده اند، و برای رسیدن به این آزادی تلاش می کنند. ما نیز در این زمینه با مخالفت با اعدام و جرم بودن همجنسگرایی توسط جمهوری اسلامی در هر جایی که فرصت دفاع از همه آزادیهای انسانی و برابری باشد شرکت می کنیم و برای دستیابی به این حق مهم نه تنها جنایات جمهوری اسلامی را فاش بلکه برای سرنگونی این حکومت قرون وسطائی و برپائی یک حکومت انسانی ترویج و تلاش می کنیم.

باشیم؛ که اتفاقا جوانان و زنان ایران به حجاب و مذهب "نه" می گویند و نیز ثابت کرده باشیم که ۳۰ سال تلاش جمهوری اسلامی برای تحمیل حجاب به جانی نرسیده و بگوئیم که جوانان و زنان ایران میخواهند آزاد باشند و می خواهند مثل یک انسان

ضدست اندازی مذهب و ضد خرافه و ضد هر چیزی که بخواد دست و پای آنها را ببندد، هستند و علی رغم تبلیغات مدیای حتی غربی که میخواهد اصرار کند مردم ایران مذهبی اند و زنان ایران حجاب دارند چون فرهنگشان است را نقض کرده

کمونیست کارگری ایران) و نهاد "اکس مسلم" بودند و برای یازدهمین سال با شعار "اعدام همجنسگرایان را در ایران متوقف کنید" روی بنرها، پلاکاردها و تی شرت های افراد شرکت کننده و شعار "آزادی و برابری" روی پلاکاردها و هدبندها شرکت کردند. شعارهایی که با هدف دفاع از حقوق همجنسگرایان و مخالفت علیه اعدام ها در جمهوری اسلامی، در عین حال مخالفت با تبعیض، جهل و خرافه، نابرابری، حجاب، مذهب، استثمار و فقر، سرمایه داری، استبداد، قوم پرستی، ناسیونالیسم را پوشش می داد. عکس "ندا آقا سلطان" سمبل یک جوان و زن مدرن از ایران که در راه آزادیخواهی جانباخت، از ابتدا تا انتهای کارناوال بر بالای اتومبیل متعلق به این سازمانهای مورد اشاره در بالا می درخشید. علاوه بر این، ما در کارناوال امسال، موزیک شاد و گروه رقص که با شادی و پایکوبی، در طول مسیر توجه باز دیدکنندگان که در حدود ۵۴۰ هزار نفر بودند را به خود جذب میکرد، به راه انداختیم. و هدف از این رقص و پایکوبی این بود که به جامعه جهانی نشان دهیم که جوانان ایران، افرادی



آزادی، برابری، حکومت کارگری!



صدای مدرنیسم، حق خواهی و برابری طلبی جوانان و زنان ایران مصاحبه با تعدادی از فعالین کارناوال سازمان جوانان کمونیست در فستیوال پراید در استکهلم



حضور هرچه بیشتر ایرانیان در جمع حامیان دگرباشان جنسی باشیم.

مریم ابراهیمی:

استقبال پرشور مردم در کارناوال امسال فوق العاده بود و حاضرین در مسیر با تشویق و لبخند در طول مسیر ما را همراهی کردند، به طوریکه گروه رقص سازمان جوانان کمونیست در ابتدا با ۶ نفر کار خود را شروع کرد ولی در طول مسیر از جمعیت تماشاگر به رقصنده ها اضافه شد و که تا انتهای مسیر همراه ما بودند.

آزیتا آفاق:

شرکت مردم استکهلم و حتی ایرانیان ساکن در این شهر واقعا فوق العاده بود و من با تشویق آنها احساس واقعا خوبی پیدا کردم و دیدم حتی مردم دیگر هم با سازمان ما هم صدا بودند برای دست پیدا کردن به آزادی و برابری برای مردم ایران.

خواهشمندم مغز مرا با تلقین های مذهبی شستشو ندهید، به من بیاموزید که چگونه خودم بیانديشم.

آغوش کشیدن فرزند از والدین را از سن ۷ سالگی می گیرد که مبادا حس سکسی فرزند بیدار شود، است

آزیتا آفاق:

هدفم از شرکت در این فستیوال حمایت از همجنسگرایان بوده است که در ایران حشاشان جز اعدام و طرد شدن نمی باشد و دفاع از زنانی هست که با زدن مهر اسلام به آنها اجازه حتی حرف زدن هم ندارند تا چه برسد آزادانه زندگی کردن. من در آن فستیوال باشکوه بودم تا بعنوان یک زن که از ایران آمده نشانی باشم برای گرفتن حق همجنسگرایان، زنان و جوانان آن جامعه.

جوانان کمونیست: برخورد حاضرین در مسیر با کارناوال شما چگونه بود؟

نوا آزادی:

برخورد حاضرین بسیار خوب بود و به نظر من این نشان دهنده ی آگاهی هرچه بیشتر مردم از موقعیت دگرباشان در سراسر جهان است. در سراسر مسیر ایرانیان زیادی هم حضور داشتند که به تشویق ما پرداختند. امیدوارم سال آینده شاهد

جوانان کمونیست: شما بعنوان یکی از شرکت کنندگان در کارناوال پراید امسال در شهر استکهلم، هدفتان از شرکت در این فستیوال چه بود؟

نوا آزادی:

پراید فستیوال تنها یک فستیوال رنگی و شاد برای رقص و یک کارناوال سالانه نیست، این برنامه برای حمایت از دگرباشان جنسی در سراسر دنیا برگزار میشود. دگرباشان جنسی یکی از بخشهای جامعه هستند که همواره مورد ظلم و آزار قرار داشته اند و خوشحالم که امکان نشان دادن حمایت از آنها وجود دارد. امیدوارم قوانینی در تمام کشورها وضع شود تا تمام انسانها بتوانند به حقوق اولیه ی انسانی خود دست یابند.

مریم ابراهیمی:

هدف من از شرکت در این فستیوال تلاش برای نشان دادن خواست برابری و آزادی، تلاش برای داشتن جامعه ای سالم و عاری از بی عدالتی، تبعیض و حق کشی، برای حمایت از جوانان و زنان در مقابل جمهوری اسلامی، حمایت از آزادی که حق مسلم هر انسانست. مقابله با مذهب و جمهوری اسلامی که حتی حق در

جمهوری اسلامی در باتلاق سوریه



محسن عادل‌فر

در هفته گذشته منابع خبری از ربوده شدن ۴۸ ایرانی در مسیر فرودگاه دمشق توسط مخافان حکومت سوریه خبر دادند. پس از انتشار این خبر، خبرگزاری دولتی ایران ضمن تایید آن، این افراد را زائری معرفی کرد که در مسیر فرودگاه دمشق در راه بازگشت به ایران بوده‌اند. از سوی دیگر ریاض اسد فرمانده ارتش آزاد سوریه اعلام

کرد که افراد این ارتش در ربوده شدن این ۴۸ ایرانی نقشی نداشته‌اند زیرا این ارتش با برخورد و تعرض با غیر نظامیان مخالف است. اما وی افزود که این افراد زائر نیستند بلکه عناصر نظامی و اطلاعاتی وابسته به حکومت ایران هستند که در پوشش زائرین در سوریه در حال فعالیتند. در ادامه شبکه العربیه فیلمی از افراد ربوده شده منتشر کرد که در آن یکی از مخالفین اعلام می‌کند که در تجسس و تحقیقات صورت گرفته مدارکی بدست آمده که ثابت می‌کند چند تن از این افراد از اعضای سپاه می‌باشند و آنها را "شبیه ایرانی" یا "لباس شخصی‌ها" توصیف می‌کند. در واکنش به این خبر مقامات حکومت ایران اعلام کردند که ایران هیچ نیروی نظامی ای در سوریه ندارد. در نهایت وزیر

امور خارجه رژیم ایران از ترکیه که رابطه نزدیکی با مخالفین بشار اسد دارد خواست که در این مسئله پادر میانی کند. این اولین بار نیست که اتباع ایرانی در سوریه توسط افراد مسلح ربوده می‌شوند که در چند مورد تعدادی از این افراد از سوی انقلابیان سوریه عناصر سپاه پاسداران و دستگاههای امنیتی ایران ذکر شده‌اند. دروغین بودن ادعای مقامات رژیم ایران مبنی بر زائر بودن افراد دستگیر شده هم در مورد اخیر و هم در موارد قبلی زمانی بیشترهید می‌شود که مقامات حکومت خود اعلام کرده‌اند که بدلیل شرایط ناامن سوریه از ارسال زائر به این کشور خود داری می‌کنند. حکومت خونخوار جمهوری اسلامی از ابتدای وقوع اولین جرقه های انقلاب در سوریه، همواره تمام قد در کنار رژیم بشار اسد ایستاده و از جنایتهای او و عمالش حمایت و در آنها مشارکت می‌کند.

مقامات دیکتاتور جمهوری اسلامی این حمایت را همواره به صورت علنی ابراز داشته‌اند. از جمله علی خامنه‌ای، سوریه را خط مقدم مقاومت بر علیه اسرائیل و غرب نامید و بر حمایت همه جانبه حکومت ایران برای حفظ حکومت دیکتاتور خونخوار سوریه تاکید کرد. از طرف دیگر انقلابیون سوریه همواره رژیم جمهوری اسلامی را یکی از عاملین سرکوب مردم سوریه برشمرده‌اند و آنها را به ارسال کمکهای تسلیحاتی و حتی حضور میدانی در سرکوب اعتراضات متهم کرده‌اند. مبارزات در سوریه هر روزشکل گسترده تری می‌یابد و حکومت بشار اسد لحظه به لحظه به سقوط نزدیک تر می‌شود. جنگ خونین میان انقلابیون و حکومت بشار اسد در حلب همچنان ادامه دارد. آخرین خبرها حکایت از گریختن ریاض حجاب، نخست وزیر سوریه به اردن و پیوستنش به صف مخالفین بشار

اسد دارد. همچنین منابع خبری از وقوع انفجار مهیبی در ساختمان رادیو تلویزیون دولتی سوریه در دمشق خبر می‌دهند. در مقابل سکوت شرم آور غرب درباره جنایات رژیم سوریه، کمک و همراهی رژیم های فاسد ایران، روسیه و چین راه را برای بشار اسد باز گذاشته تا به جنایاتش ادامه دهد. اما مردم سوریه که نشان داده‌اند هر روز مصمم تر هستند که کشورشان را از چنگال جنایتکاران در بیاورند، آگاهانه در راه مبارزه گام بر می‌دارد و هیچ مانعی جلودارشان نیست. دیری نخواهد پایید که مردم سرنگونی بشار اسد را در سوریه جشن می‌گیرند و این نویدی برای مردم ایران است که با سقوط اسد، دیکتاتوری علی خامنه‌ای بیش از پیش تضعیف خواهد شد. باتلاق سوریه رژیم جمهوری اسلامی رانیز به پایین خواهد کشید. سرنگون باد جمهوری اسلامی و زند باد آزادی و برابری.



آغوش ممنوع!!



ریحانه گلی

آدر طی چند روز گذشته فردی به نام حسین دهنوی بغل کردن فرزند پسر بالای ۷ سال توسط مادر و در آغوش کشیدن فرزند دختر بالای ۷ سال توسط پدر را نادرست شمرد و اظهار داشت که این عمل باعث بروز شهوت بین فرزند و پدر و مادر می شود. حکومتی که تمام اشکال و موارد عشق و محبت را با لذت و شهوت جنسی در هم می آمیزد حتی محبت فرزند به مادر و پدر را و برعکس

سران این حکومت تمام جوانب زندگی را برای خود می خواهند از رفاه و آسایش ابتدایی هر فرد گرفته تا لحظات شادی که هر کسی باید آن را داشته باشد ولی این حکومت با استبداد هر چه بیشتر و با یک دیکتاتوری محض، آن را از همه و به خصوص جوانان و زنان گرفته است و به نوعی می شود گفت اوضاع ایران را برای زندگی غیر قابل تحمل کرده و هرکسی به نوعی سعی دارد از ایران و این جو خفقان فرار کند و یا به نوعی با برگزاری مهمانی های شبانه فستیوال های مختلف تو دهنی محکمی به جمهوری اسلامی بزند و تنفر خود را از این همه سرکوب و دیکتاتوری اعلام کنند و بگویند این نسل با تمام فشارهایی که دارند تحمل می کنند ساکت نمی شوند و سعی در آن دارند که از جوانی و زندگی خود بهترین لذت را ببرند و اما جمهوری اسلامی وقاحت را به اوج خود رسانیده است و سعی در آن دارد که یک کودک را از

یک جنگ تمام عیار

اکرم خیرخواه

جلو می آید و به خواهرزاده ۱۶ ساله ام می گوید آستین های مانتوت رو باز کن... روسریت رو بکش جلو... سپس رو به من میکند و می گوید تو هم موهاات رو بذار تو... به دستورش توجه ای نمیکنم و بقیه پولم رو از راننده می گیرم و راه می افتم. سربازی که انگار موظف است فرامین رئیسش رو دوباره تکرار کند داد می زد: های خانوم نشنیدی چی گفت...

بعد از اینکه من و خواهرزاده ام ارشاد میشویم! تازه فرصت پیدا میکنم به اطرافم نگاه کنم خیابان ولیعصر تبریز و فلکه بازار دور تا دور توسط گشت ارشاد و ون هایش محاصره شده و آماده اند وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر را با داد و هوار و یا دستگیری انجام دهند! البته پر واضح هست که امر به معروف در تابستان فقط شامل زنان می شود. زنانی که در گرمای تابستان کفش بدون جوراب می پوشند. احتمالان از دید نظریه پردازان گشت های ارشاد پای بدون جوراب زن تحریک کننده مردان است و باید از این منکر نهی شوند! زنانی که در هوای گرم تابستان مانتو شلوار و روسری رنگی می پوشند تا حتی اگر شده ذره ای از گرما را با رنگ های روشن لباس شان خنثی کنند، هدف اصلی گشت ها هستند و این رنگ های شاد از منکرات و مکروهات قلمداد می شود....

دوباره نگاهی به خیابان می اندازم و واکنش مردم به حضور گشت های ارشاد نظرم را جلب می کند. از کنار هر مغازه ای که رد می شدم

مسئله حجاب از زمان روی کار آمدن جمهوری اسلامی یکی از عرصه های جدال بین جامعه ایران و مشخصا زنان و جمهوری اسلامی بوده است. در این مدت زنان و جوانان زیر بار قوانین و فرهنگ عقب مانده حکومت نمیروند و مدام بر حق اختیار و انتخاب پوشش تاکید داشته اند. هرچه جدال بین جامعه و حکومت قطبی تر شده این مسئله هم حالت حادتری بخود گرفته. امسال هم با توجه به فضای ملتهب سیاسی و بحرانهای عظیمی که این حکومت با آن درگیر است و نیز کمین مردم برای حمله نهایی به جمهوری اسلامی باعث شده که حکومت اسلامی برای حفظ خود و تقدسات و قوانینش فشار بیشتری به مردم بیاورد و از این طریق شاید بتواند هجوم مردم را به عقب بیندازد. یکی از این زمینه ها هم که امسال شاهد رودرویی شدیدتر آن بوده ایم، مسئله رعایت حجاب و گشت های ارشاد است که روزانه به جان زنان، جوانان و مردم می افتند و مردم هم جانانه با همبستگی خاصی از یکدیگر پشتیبانی میکنند و این تبدیل به یک جنگ مداوم در زندگی روزانه زنان و جوانان شده است. حکومت بخوبی میداند که این عرصه یکی از سنگرهای مهم است که اگر آنرا از دست بدهد سریعتر برپا خواهد رفت. در همین زمینه ما "بخشهایی از مطلب اکرم خیرخواه که در صفحه مدرسه فمینیستی" منتشر شده و مستندگونه این جنگ و گریز را روایت میکند را در این شماره نشریه می آوریم. ج.ک.

روزی با گشت ارشاد در تبریز: ارشاد میشویم پس هستیم!

از تاکسی پیاده می شوم در حال دادن پول تاکسی هستم که ماموری

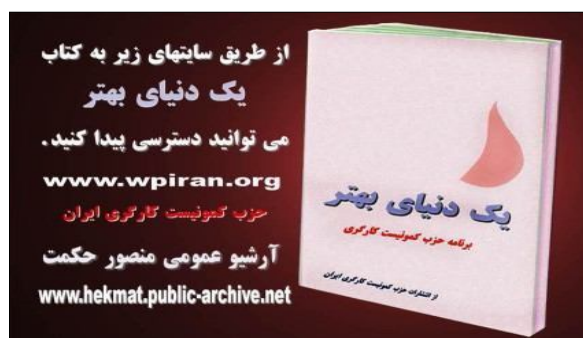
جنبش آغوش رایگان



آغوش پر مهر خانواده جدا کند. البته مردم بیشتر به این ارجیف میخندند و این حکومت با این رویدادها بیشتر از قبل رسوا میشود. این تنها گوشه ای از بی شرمی و لجنزاری به اسم جمهوری اسلامیست.

من و تمام دوستان و همکارانم در سازمان جوانان کمونیست این رفتارهای جمهوری اسلامی را محکوم کرده و همراه مردم تا سرنگونی این رژیم خونخوار و ضد انسانی مبارزه خواهیم کرد. مرگ بر جمهوری اسلامی.

و تمام دنیا و عشقی که در آن وجود دارد را تنها از یک منظر می بیند و آن هم لذت جنسی است تازه از نوع ضد انسانی آن. این اتفاقات در حالی می افتد که هر ساله اخباری در مورد تجاوز روحانیان و بسیاری از مسئولین حکومتی به گوش می رسد. می شود گفت در کل، این حکومت ضد انسانی با زندگی مخالف است و اگر اینگونه ادامه پیدا کند حتی نفس کشیدن هم بر مردم حرام می دانند تا مبادا پایه های حکومتش بیشتر از این سست شود.





خودم قول داده بودم که دیگه قرص نخورم- قول داده بودم که دیگه با زور قرص و شربت نخوابم- اما مگه میشه- نه نمیشه- معلومه که نمیشه - دو تا دوازدهم رو با یه کم آب از گلولی بسته شده م با مصیبت پایین میدم- زیر پتو میخزم- دستامو زیر بالش میذارم و صورتمو روی بالشم- پتورو تا سرم بالا کشیدم- شروع میکنم به گریه کردن- با صدای بلند- خیلی خیلی بلند- فریاد میزنم- تمام درد و رنجم رو... تمام بغض و کینه و نفرت رو توی بالش خالی میکنم- شاید هم دارم خودمو خفه میکنم- اینقدر صدای ناله هام دردناکه که دلم به حال خودم میسوزه- کاش پسر بچه دعا فروش الان پیش من بود- کاش تو بغل من خواب بود- وای چقدر لاغر و نحیف بود- چقدر کوچک و مظلوم بود- الان کجاست؟ توی کدوم کارتن؟ زیر کدوم پل؟ کنار کدوم خیابون خوابیده؟ لعنت به من - چرا کاری ازم برنمیاد؟؟؟ چشم رو میبندم...

بمیرم- فقط میخوام این شب تموم شه - تو اتاقم بمیرم- چراغو روشن میکنم - تو آئینه به خودم نگاه میکنم- مصداق بارز مرغ سرکنده م- آشفته و پریشان- مثل دیوانه های زنجیری شدم- بی اختیار دستم بالا میره- تند و محکم سه تا سیلی به صورتم میزنم - صورتم از اشکام خیس- دستم به صورتم میچسبه- درد داره- خیلی زیاد- از دردش اشکام بیشتر میریزه -یه احساس لذت میکنم- مثل یه آدم مازوخستی که از آزار خودش لذت میبره- یه کم احساس رضایت میکنم -با خودم فکر میکنم حداقل یه کم از درد پسر بچه دعا فروش رو احساس کردم- اما من خودم توی اتاق خودم- تنهای تنها به خودم سیلی میزنم- اما اون بین اون جمعیت- تحقیر میشه- کتک میخوره- کبود میشه- له میشه- فقط و فقط به خاطر یه لقمه نون- هوای خونه سنگینه- خیلی سنگین- اونقدر سنگین که دیگه حتی نمیتونم نفس بکشم- امشب من دوام نمیارم- نمیتونم- من تحمل این غصه رو ندارم- سمت کشو میرم- به

خونه که میرسم -خونه هم تاریکه- هیچکس نیست جز من با یه درد خیلی بزرگ- میلی ندارم که خونه روشن باشه- تاریکی بهتره- آره تاریکی خیلی بهتره- مقنعه لعنتیمو در میارم پرت میکنم به گوشه- وسط حال میشینم و با صدای بلند گریه میکنم- زار میزنم- قیافه بچه دعا فروش از جلو چشم کنار نمیره- به پهنای صورتم اشک میریزم- احساس میکنم یه چاقو بزرگ تو قلبمه- احساس بیچارگی و فلاکت میکنم- پامیشم تو خونه راه میرم- به درو دیوار میخورم- من بخاطر پسر بچه دعا فروش رنج میکشیدم- گریه میکردم- میمردم- من بدبخت ترین آدم روی زمینم- ولی کاری از دستم برنمیاد- تمام بدنمو ضعف گرفته- یادم میاد که شب شده و من هنوز نهار نخوردم- سر یخچال میرم- یه لقمه کوچک درست میکنم- به خودم دلخوشی میدم و میگم- ناراحت نباش فردا میرم پسر بچه رو پیدا میکنم- براش غذا و شاید یکم پول میدم- اما باز به خودم میگم- پس بقیه چی؟ بقیه بچه های دعا فروش- گل فروشای سر چهارراهها- بچه های فال فروش- آدامس فروش- سیگار فروش- اونارو چیکار میکنی؟؟؟؟؟

شوری اشکامو تو لقمه ام حس میکنم- احساس میکنم زهر تو دهنمه- نمیتونم قورتش بدم- به برادرزاده ها و خواهرزاده های ناز پرورده ام فکر میکنم- اگه یه روزی... یه وقتی... اونا هم... نه- نه- نه- چرا کاری از دستم برنمیاد؟ میخوام

تقدیم به پسر بچه دعا فروش

محبوبه حکمت از ایران

دوباره بلندتر میشه- بی اختیار! با خواهر چادر به سرم می ایستیم- یه بچه دعا فروش شاید ۵-۴ ساله رو میبینیم- زیر مشتش و لگد یکی دیگه - شاید یه پسر ۱۳-۱۲ ساله- قلبم وامیسته- سیلی میزنه تو صورتش- دردش رو روی گونه خودم احساس میکنم- رو زمین میکشه بچه رو- به در و دیوار می کوبه- نمیدونم کیه؟ ولی میزنه- نمیدونم چرا میزنه؟ ولی خیلی محکم میزنه- شاید رئیسشه- شاید.

برادر- نمیدونم کیه... نمیدونم... نمیدونم- بچه دعا فروش خیلی کوچیک و لاغره- تمام تنش میلرزه- احساس میکنم هر آن تمام اجزا بدنش از هم متلاشی میشه- بچه گریه میکنه- ناله میکنه - مات و مبهوت مثل یه مجسمه نگاه میکنم- انگار نه نبض دارم نه تپش قلب و نه جریان خون- دنیا رو سرم خرابه- بند دلم پاره اس- حتی نمیتونم تکون بخورم- هیچی نمیبینم - نمیدونم کی وجه جوری پسر بچه رو از زیر دستش در میاره و از اون کتک نجاتش میده- بی هیچ حرفی از خواهر چادر به سرم جدا میشم- نمیدونم باید چکار کنم- به تاکسیا نگاه میکنم اما نمیتونم برم- یه گوشه واسادم و نگاه میکنم- احساس میکنم دارم میمیرم- یعنی با تمام وجود میخام که بمیرم- تو اون لحظه میخام تمام شهر و بهم بریزم- میخام

نشریه جوانان کمونیست متعلق به شماست، متعلق به همه جوانان، دانشجویان و زنانی که از تبعیض، نابرابری و حجاب، از مذهب، از جهل و خرافه، از استثمار، استبداد، از قوم پرستی، ناسیونالیسم و نژاد پرستی بیزارید.

این نشریه را تکثیر کنید و بدست دیگران برسانید، نویسنده آن باشید و برایش اخبار اعتراضات را بفرستید.

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید

www.cyoiran.com

آدرس تماس:

javanan.tamas@gmail.com

صفحه ما در فیسبوک:

<https://www.facebook.com/khalasi2>

از این سایت ها دیدن کنید:

www.cyoiran.com | www.iransolidarity.org.uk
www.rowzane.com | www.hambastegi.org
www.kapitalfarsi.com | www.wpiran.org
<http://group.yahoo.com/group/javanankomonist/>